

بررسی رابطه جهت‌گیری‌های مذهبی اسلامی با ابعاد هویت

نویسندگان: زهرا هاشمی*^۱ و دکتر بهرام جوکار^۲

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز

۲. استادیار دانشگاه شیراز

* Email: z_hashemi_serkan@yahoo.com

چکیده

هدف از تحقیق حاضر تعیین ارتباط جهت‌گیری‌های مذهبی اسلامی با ابعاد هویت بوده است. مشارکت‌کنندگان در پژوهش شامل ۲۲۲ دختر و ۹۹ پسر رشته‌های مختلف تحصیلی دانشگاه شیراز بودند که به روش خوشه‌ای مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش، عبارت بودند از: فرم تجدید نظر شده مقیاس جهت‌گیری‌های مذهبی اسلامی و ویرایش ششم مقیاس ابعاد هویت AIQ-IV. برای تعیین پایایی پرسشنامه‌ها از روش آلفای کرونباخ و برای تعیین روایی مقیاس‌ها نیز از تحلیل عوامل استفاده شد. ضرائب پایایی حاصل، موید پایایی مطلوب مقیاس‌ها بود. نتایج تحلیل عاملی به روش مولفه‌های اصلی با چرخش واریانس برای مقیاس جهت‌گیری‌های مذهبی بیانگر وجود دو عامل بود که به ترتیب اعتقادات-مناسک و اخلاق نامگذاری شدند. همچنین نتایج تحلیل عاملی برای ابعاد هویت، پنج بعد هویت فردی، اجتماعی، مذهبی و قومی-نژادی را نشان داد. نتایج رگرسیون چندگانه زیر مقیاس‌های اعتقادات-مناسک و اخلاق نشان داد که زیر مقیاس اعتقادات-مناسک پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنی‌دار بعد هویت مذهبی و زیر مقیاس اخلاق پیش‌بینی‌کننده ابعاد هویت فردی و ارتباطی به شکل مثبت و نیز پیش‌بینی‌کننده بعد هویت مذهبی به شکل منفی می‌باشد.

کلید واژه‌ها: جهت‌گیری مذهبی اسلامی، ابعاد هویت

• دریافت مقاله: ۸۷/۷/۲۳

• ارسال برای داوران:

۸۷/۸/۲۰ (۱)

۸۷/۸/۲۰ (۲)

۸۷/۸/۲۰ (۳)

• دریافت نظر داوران:

۸۷/۹/۲۳ (۱)

۸۷/۹/۲۵ (۲)

۸۷/۱۲/۱۷ (۳)

• ارسال برای اصلاحات:

۸۷/۱۲/۲۰ (۱)

• دریافت اصلاحات:

۸۸/۲/۵ (۱)

• ارسال برای داور نهایی:

۸۸/۲/۷ (۱)

• دریافت نظر داور نهایی:

۸۸/۶/۱۷ (۱)

• پذیرش مقاله: ۸۸/۶/۳۰

Scientific-Research Journal
Of Shahed University
Seventeenth Year, No.40
Apr.-May. 2010
Clinical Psy. & Personality

دوماهنامه علمی - پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال هفدهم - شماره ۴۰

اردیبهشت ۱۳۸۹

مقدمه

امروزه بررسی علمی باورهای مذهبی و ارتباط باورها با سایر سازه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی اهمیت ویژه‌ای یافته است [۱]. در واقع دین به عنوان نوعی فلسفه فکری با داشتن نگرش خاص به جهان هستی؛ جهان‌بینی (world view)، ایدئولوژی (Ideology)، و معرفت‌شناسی (Epistemology) خاص خود را دارا است

که نه تنها بر پاسخگویی به سؤالات اساسی انسان در مورد پیدایش و تکوین جهان هستی و انسان تأثیر می‌گذارد و روابط بیرونی فرد در قبال نظام‌های اجتماعی، سیاسی، و تربیتی را تعیین می‌بخشد، بلکه حس درونی وجود فردی یا هویت (Identity) شخص را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد [۲].

یکی از مسائلی که در مسیر رشد و تحول انسان از تکالیف مهم رشدی محسوب می‌شود پیدایش درکی از خود (self) یا کسب هویت است، این احساس که «کیستم؟»، «در جامعه چه جایگاهی دارم؟» و «از زندگی چه می‌خواهم؟». از طریق پاسخ‌گویی به این پرسش‌های بنیادی، ابعاد شخصیتی هماهنگی و انسجام لازم را می‌یابند. اریکسون هویت را یک مفهوم سازمان‌یافته از «خود» می‌داند که از ارزش‌ها، باورها و اهدافی که فرد بدان پایبند است تشکیل شده است [۳]. او کارکرد هویت را ایجاد هماهنگی میان پندار فرد از خود بعنوان یک فرد بی‌نظیر و دارای ثبات و تصور دیگران از خود می‌داند به عبارتی به عقیده اریکسون هویت ایجاد تعادل میان خود و دیگران است [۳].

از آنجا که سازه هویت از اجزاء متعددی تشکیل شده است، بنابراین در زمینه هویت رویکردهای مختلفی با توجه به اهمیت دادن به عناصر و اجزاء مختلف آن صورت گرفته است [۴] که می‌توان از رویکردهای ساختارنگر یعنی وضعیت‌های هویتی ماریسا (Marcia) [۵]، محتوا نگر (نظریه هویت اجتماعی تاجفل (Tajfel) [۶]، و نظریه «بین فرهنگی خود» تریاندیس (Triandis) [۷]؛ مارکوس (Markus) و کیتایاما (Kitayama) [۸] و فرآیندنگر (نظریه سبک‌های پردازش هویت برزونسکی (Berzonsky) [۹]؛ نام برد. در رویکرد ساختارنگر تأکید بیشتر بر وضعیت‌های هویت می‌باشد که در آن ماریسا چهار وضعیت هویت موفق (Achievement)، تعلیقی (Mortarium)، زودهنگام (Foreclosure) و گس‌یخته (Diffusion) را شناسایی و مطرح نموده‌است. در رویکرد محتوا نگر، تأکید بر روابط بین فردی و تأثیرات فرهنگی بر «خود» و اهمیت دادن به نقش دیگران در «خود - تعریفی» است. در رویکرد فرآیندنگر، تأکید بر فرآیند شکل‌گیری هویت و چگونگی دریافت اطلاعات و پردازش اطلاعات مربوط به هویت، می‌باشد. این سبک‌های پردازش شناختی-اجتماعی هویت، عبارتند از سبک اطلاعاتی (Informative)، سبک هنجاری (Normative) و سبک سردرگم - اجتنابی (Diffused / avoidance).

نظریه پردازانی که در بررسی هویت چشم‌اندازی شناختی - اجتماعی داشته‌اند معتقدند که کارکردهای خودپنداره از قبیل ساخت و شکل‌دهی هویت، پردازش اطلاعات، تنظیم عواطف، راهبردهای سازگاری و تنظیم رفتارها، وابسته به فرهنگ می‌باشد. [۱۰]. این گروه از نظریه پردازان بر روابط بین فردی و تأثیرات فرهنگی بر «خود» و اهمیت دادن به نقش دیگران در «خود - تعریفی» تأکید داشته‌اند. در واقع مطابق با این دیدگاه‌ها خود، در مسیر تعاملات اجتماعی شکل گرفته و به عنوان محصولی ویژه از محیط‌های اجتماعی فرهنگی، در نظر گرفته می‌شود [۱۱ و ۱۲]. از جمله نظریه‌های مطرح در این زمینه نظریه «بین فرهنگی خود» و نظریه «هویت اجتماعی» می‌باشد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نظریه «بین فرهنگی خود»

در خصوص تأثیرات فرهنگی، مارکوس (Markus) و کیتایاما (Kitayama) به توصیف دو نوع ساختار خود پرداخته‌اند که عبارتند از «خود وابسته» و «خود مستقل». از نظر آنها مهم‌ترین تفاوت بین این دو ساختار، اهمیت دادن به نقش دیگران در «خود تعریفی» است. ساختار «خود مستقل» همان تبیین خود در قالب دیدگاه غربی است. در فرهنگ غربی خود به عنوان مجموعه‌ای یکپارچه و متشکل از تواناییها، ارزش‌ها، ترجیحات و ویژگی‌های احساساتی شخص در نظر گرفته می‌شود که در آن افراد دارای تعریف مستقل از خود بوده و در تعریف خود، کمتر دیگران را مدنظر قرار می‌دهند و افراد بیشتر به دنبال تمایز یافتن از دیگران می‌باشند. در مقابل، مبنای تعریف خود در «خود وابسته»، ارتباطات اجتماعی و روابط اجتماعی فرد با دیگران است [۸]. در این دیدگاه اگرچه «خود وابسته» دارای یک سری ویژگی‌های درونی و خاص است ولی این ویژگی‌ها نقش زیادی در تنظیم باورها، رفتارها و انگیزش افراد ندارند.

اهمیت تمایز بین ساختار خود فردی و خود جمعی نیز در تحقیقاتی که تریاندیس [۷] در این زمینه انجام

داده است نیز به چشم می‌خورد. تریاندیس از جمله کسانی است که اعتقاد داشت که ساختار «خود» می‌تواند تحت تأثیر فرهنگ قرار گیرد و با توجه به نقش فرهنگ در تعریف «خود»، به دو بافت فرهنگی جمع‌گرا (Collectivist) و فردگرا (Individualistic) اشاره می‌کند. بر اساس نظر او در فرهنگ‌های جمع‌گرا یک دیدگاه کل‌گرایی نسبت به دنیا وجود دارد و «خود»، عنصری جدا از بقیه اجزاء نیست. فاصله بین خود، دیگران و طبیعت کم است و مردم نسبت به هم احساس وابستگی زیادی دارند. در این فرهنگ‌ها ارتباطات نقش مهمی داشته و «خود» از طریق تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد. هویت افراد نیز بر مبنای جایگاه و تعلقات گروهی تعریف می‌شود. در مقابل در فرهنگ‌های فردگرا هویت افراد مستقل از دیگران و طبیعت بوده و بر پایه مجموع خصوصیات فردی می‌باشد.

نظریه «هویت اجتماعی»

نظریه هویت اجتماعی (Social Identity) در آغاز دهه ۷۰ توسط روانشناسان اجتماعی نظیر تاجفل (Tajfel) و ترنر (Turner) [۱۳] در اروپا بسط و گسترش یافت که بر اساس آن هویت دارای دو وجه فردی (Personal) و اجتماعی (Social) است. هویت فردی معادل خود مستقل و هویت اجتماعی معادل خود وابسته در توصیفات مارکوس و کیتایاما می‌باشد. در نظریه هویت اجتماعی، جنبه‌ی هویت اجتماعی که بر پایه عضویت در گروه است از اهمیت خاصی برخوردار بوده و داشتن یک هویت اجتماعی مشخص به معنای عضویت در یک گروه اجتماعی معین است، در این حالت شخص همه چیز را از دید گروه می‌بیند و مورد ارزیابی قرار می‌دهد و با افراد آن گروه همانندسازی می‌کند. تاجفل [۶] به عنوان نظریه‌پرداز هویت اجتماعی، آن را چنین تعریف می‌کند: «بخشی از خودپنداره شخصی که از دانش مربوط به عضویت در گروه یا گروه‌های اجتماعی ناشی می‌شود و با وابستگی‌های ارزشی و عاطفی مربوط به این عضویت همراه می‌باشد».

چیک (Cheek)، تروپ (Tropp)، چن (Chen)، و اندروود (Underwood)، [۱۴] با اقتباس از نظریه‌های موجود سه جنبه متمایز از هویت یعنی هویت فردی، اجتماعی و جمعی (Collective) را مطرح نموده و جهت سنجش این ابعاد هویت مقیاسی تهیه نمودند. در این مقیاس هویت فردی معادل با خود مستقل در نظریه مارکوس و کیتایاما و هویت شخصی در نظریه تاجفل و همکارانش می‌باشد. همچنین، هویت اجتماعی در این مقیاس، به تعریف خود در ارتباط با دیگران اختصاص دارد و ریشه در خود عمومی دارد و به حیطه‌های بین فردی مثل محبوبیت و شهرت فرد نزد دیگران و تأثیر رفتارهای فرد بر دیگران در تعامل با آنها مربوط می‌شود و معادل با «خودوابسته» در نظریه مارکوس و کیتایاما می‌باشد. در واقع افرادی که بر هویت اجتماعی مطابق با این دیدگاه تأکید دارند اهمیت زیادی به قضاوت و ارزشیابی‌های دیگران از خود می‌دهند و برای آنها مهم است که توسط دیگران تایید شوند و به دنبال دستیابی به خودی می‌باشند که نزد دیگران محبوب بوده و مهم جلوه نماید. هویت جمعی در این تقسیم‌بندی بر مبنای عضویت گروه اجتماعی تعریف می‌شود و معادل هویت اجتماعی در نظریه تاجفل و ترنر، می‌باشد. لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر از ویرایش چهارم این مقیاس چیک، اسمیت (Smith) و تروپ [۱۵] که در آن یک بعد جدید تحت عنوان «هویت ارتباطی» (Relational) مطرح شده است، در این بعد نقش ارتباط با افرادی همچون دوستان، همسالان، همسر و... در شکل‌گیری شخصیت مورد تأکید بوده است و اینگونه افراد در تکوین هویت خود به شدت تحت تأثیر دیگران قرار گرفته و از آنها متأثر می‌شوند.

لازم به ذکر است که با توجه به نتایج تحقیقات جوکار [۱۶] هویت جمعی در فرهنگ ایرانی دارای ابعاد متمایز از یکدیگر بوده و شامل بعد هویت قومی - نژادی و بعد هویت مذهبی می‌باشد. به همین منظور و به هدف تفکیک دقیق‌تر بعد هویت قومی - نژادی و بعد هویت مذهبی و بررسی نقش مذهب در شکل‌گیری ابعاد

ایجاد تجربیات مشترک نوع انسان‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد [۱].

مقوله مذهب از دیرباز توجه صاحب‌نظران و متخصصین این حوزه را به خود جلب کرده، مذهب از جمله واژه‌هایی است که توافق و دستیابی به تعریف واحدی از آن اگر چه امری محال نباشد، لااقل بسیار دشوار می‌باشد. به‌طور قطع برای تعریف مذهب در ادیان مختلف، مفاهیم و ذهنیت‌های متفاوتی از قبیل وجود متعالی، غیر مادی، نامتناهی، متناهی، خدای واحد، خدایان متعدد، ایمان، کفر و الحاد وجود دارد که اغلب رسیدن به تعریف واحدی از آن را در نگاه اول غیر ممکن می‌سازد. مضافاً اینکه به مفاهیم فوق باید رفتارها، مناسک و باورهای ویژه هر آئینی را نیز افزود. اینگر (Yinger) پس از بحث در پیرامون مشکلات رسیدن به تعریفی واحد به این نتیجه می‌رسد که هر تعریفی از مذهب فقط گوینده آن را راضی می‌نماید. علی‌رغم پیچیدگی و عدم توافق در تعریف، مذهب پدیده‌ای جهانی و گسترده بوده که رفتارها، تجربیات و باورها، جنبه‌های مختلف این موضوع پیچیده را بیان می‌کنند. هالاومی (Halahmi) و آرگیل (Argil) در کتابشان تحت عنوان «روان‌شناسی رفتارها، باورها و تجربیات مذهبی» بعد از ارائه تعاریف متعدد از مذهب، چنین نتیجه می‌گیرند که وجه مشترک تمامی این تعاریف و حتی ادیان مختلف از قبیل اسلام، مسیحیت، یهودیت، هندوایسم و بودائیسیم و ... اعتقاد و باور به وجودی متعالی بوده که الزامات خاصی را در رفتارها و تجربیات فرد به همراه دارد [۱]. از آنجا که در این تحقیق هدف دین اسلام بوده است، به تعاریفی از صاحب‌نظران اسلامی اشاره می‌شود. آیت الله طباطبایی در تفسیر میزان دین را به عنوان روشی مخصوص در زندگی می‌داند که تأمین‌کننده صلاح دنیا به گونه‌ای که موافق با کمال اخروی و حیات دائمی و حقیقی باشد، تعریف می‌کند. وی بیان می‌کند که دین چیزی نیست جز سنت حیات و راه و روشی که بر انسان واجب شده و متضمن سعادت او است که هدف نهایی مبتنی بر فطرت می‌باشد [۲۰].

هویت، در زمینه هویت جمعی، ۱۱ گویه به پرسشنامه اضافه شد که منطبق با خاستگاه فرهنگ ایرانی باشد. لازم به ذکر است در بعد هویت قومی - نژادی ویژگی‌های قومی و ملی نقش مهمی را در شکل‌گیری هویت و خود ایفا می‌کنند و خود-تعریفی بیشتر بر مبنای ملیت و نژاد می‌باشد. در حالیکه افراد با بعد هویت مذهبی بیشتر هویت خود را از مذهب گرفته و خود-تعریفی بر مبنای اصول مذهب و ویژگی‌ها و تعلقات دینی می‌باشد.

جهت‌گیری مذهبی

با توجه به آنچه که در رویکردهای فوق مطرح شد؛ هویت در بافت اجتماعی و تاریخی شکل می‌گیرد و مذهب جنبه مهم بافت تاریخی و اجتماعی است [۱۷ و ۳]. این مطلب از همان روزهای آغازین که ویلیام جیمز، (James) روان‌شناسی را به عنوان یک علم پایه‌گذاری نمود، مطرح بوده است. جیمز در نوشته‌های خود، نه تنها تعاریفی از «خویشتن» انسان ارائه کرده است؛ بلکه به ارتباط این خویشتن با عالم ماوراء و خداوند نیز اشاره نموده است [۱۷]. به عقیده اریکسون نیز مذهب کهن‌ترین و قوی‌ترین نهادی است که باعث ظهور و بروز اطمینان و تعهد به یک ایدئولوژی می‌شود که این پابندی، برای حل موفقیت‌آمیز بحران روانی-اجتماعی دوره نوجوانی و کسب هویت اساسی است [۳]. در همین راستا کینگ (King) [۱۹] نیز در چارچوبی مفهومی پیشنهاد می‌کند که مذهب از طریق ایجاد زمینه‌های ایدئولوژیکی، اجتماعی، و معنوی می‌تواند بر ابعاد اکتشاف و تعهد تأثیر بگذارد. هویت رشد یافته در چنین بافتی، باعث ارتقاء «خود» شده و حس تعهدی را سبب می‌شود که نه تنها متضمن سلامت روانی و بهزیستی افراد است، بلکه به همان خوبی قادر است سلامت اجتماعی را نیز تضمین کند. مطابق با گوردن (Gordon) مذهب، نژاد و ملیت عناصری هستند که مردم به وسیله آنها خود را شناسایی و تعریف می‌کنند و حس مشترک گروهی را به وجود می‌آورند. مطابق این دیدگاه، اگرچه مذهب امری شخصی تلقی می‌شود اما با

داده است که همبستگی مثبتی بین قدرت خود و پختگی استدلال اخلاقی وجود دارد. مطالعه‌هایی که با کودکان و دانشجویان دانشگاه گرفته است، این پیش‌بینی را تأیید می‌کند. کودکانی که توانایی بالایی را برای به تأخیر انداختن ارضای نیازهای خود داشتند، در مقایسه با کودکانی که قادر نبودند ارضای بلادرنگ خود را به تأخیر بیندازند، از لحاظ مسئولیت‌پذیری اجتماعی به میزان بالایی درجه‌بندی شدند و کمتر احتمال داشت که کارهای ضد اخلاقی از قبیل تقلب انجام دهند [۲۷]. در تحقیقات دیگری، نقش همگرایی مذهبی بر روی تغییرات شخصیتی مورد بررسی قرار گرفته است. مطابق با نتایج این تحقیقات، اگرچه به نظریه‌ی رسد همگرایی مذهبی بر روی عناصر کارکردی صفاتی و ویژگی‌های شخصیتی یا خلق و خویی، کمترین تأثیر را داشته باشد، اما این تأثیر بر روی زندگی، تغییرات انتقالی و کارکردهایی از قبیل گزینش اهداف، احساسات، نگرش‌ها و کارکردهای شخصیتی که بیشتر جنبه خود-تعریفی دارند مانند هویت و معنای زندگی تأثیر عمیق و ژرفی دارد [۲۸].

در زمینه رابطه میان مذهب و هویت ملی شواهد تجربی متعددی وجود دارد. هویت مذهبی بسیاری از نوجوانان در بسیاری از کشورهای اروپایی، قویاً به شکل مثبتی با هویت ملی آنها رابطه دارد [۲۹]. در همین راستا تحقیقات نشان می‌دهد در آمریکا، ایمان درونی با هویت ملی رابطه مثبت دارد. در حالی که در کانادا مطابق با تحقیقات باریس (Burris)، برنسکوب (Branscombe)، و جکسون (Jackson) به نقل از ساراگلو (Saraglou) و گلند (Gland) نه تنها چنین رابطه‌ای میان مذهب و هویت ملی دیده نشده است، بلکه میان ایمان درونی با چند فرهنگی رابطه مثبت دیده شده است [۲۹].

با توجه به تحقیقات انجام شده به نظر می‌رسد، اولاً رابطه میان مذهب و ابعاد هویت وابسته به بافت فرهنگی می‌باشد. ثانیاً، نقش دین در ساختار فرهنگی جوامع متفاوت می‌باشد، به این ترتیب که در برخی فرهنگ‌ها

جوادی آملی در خصوص تعریف دین می‌گوید معنای لغوی دین انقیاد، خضوع، پیروی و اطاعت و تسلیم و جزاست و معنای اصطلاحی آن «مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها باشد» [۲۱].

با توجه به گستردگی ابعاد مختلف مذهب و توجه به رویکرد تجربی در این زمینه آنچه که حائز اهمیت است، تعریف عملیاتی مذهب و یا دینداری در پژوهش‌های مربوطه می‌باشد. در پژوهش حاضر منظور از جهت‌گیری‌های مذهبی اسلامی «روی آورد کلی شخص بوده که از مذهب اتخاذ کرده است؛ یعنی در رابطه با موجودی متعالی، مجموعه‌ای از اعتقادات، اعمال و تشریفات خاص را در زندگی دارد» [۲۲]. مطابق این تعریف جهت‌گیری مذهبی را می‌توان تقریباً معادل دین‌داری یا دین‌ورزی گرفت. که از طریق پرسشنامه جهت‌گیری‌های مذهبی اسلامی سنجیده می‌شود.

وجود رابطه میان جهت‌گیری‌های مذهبی و هویت در تحقیقات متعدد مورد بررسی قرار گرفته است اما عمده این تحقیقات مربوط به جوامع غربی و مسیحیت است. به عنوان مثال در تحقیق مارکسترام (Markstrom) [۲۳] و همکاران رابطه میان جهت‌گیری‌های درونی مذهبی و زیرمقیاس‌های اخلاقی با هویت مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که افرادی که دارای وضعیت‌های هویتی بالاتری بودند در زیرمقیاس‌های اخلاقی نیز نمرات بالاتری داشتند. تحقیقات همچنین رابطه مثبت و معناداری میان استدلال اخلاقی با یکپارچگی هویت، خود گزارشی و نوع دوستی را تأیید کرده‌اند [۲۴]. در مطالعه دیگری که بر روی کودکان توسط کامپاگنا (Gompagna) و هارتر (Harter) انجام گرفت معلوم شده است کودکانی که گرایشهای جامعه ستیزی نشان می‌دهند و این به معنای قدرت ضعیف خود در آنها می‌باشد، در مقایسه با کودکان گروه کنترل که گرایشهای جامعه ستیزی نداشتند، سطوح پایینی از استدلال اخلاقی را آشکار می‌کنند [۲۵]. در همین راستا پاد (Podd) [۲۶] نیز در تحقیقات خود نشان

شدند. با توجه به افت نمونه (به دلیل ناقص بودن پرسشنامه‌ها و یا کوچک بودن حجم کلاس‌ها) در نهایت ۳۳۱ نفر شرکت‌کنندگان نهایی این پژوهش را تشکیل دادند. در جدول ۱ تعداد شرکت‌کنندگان به تفکیک دانشکده و جنسیت آمده است.

جدول ۱. تعداد شرکت‌کنندگان به تفکیک دانشکده و جنسیت

آزمودنی‌ها	علوم تربیتی	علوم	کل
دختر	۱۱۴	۱۱۸	۲۳۲
پسر	۳۸	۶۱	۹۹
کل	۱۵۲	۱۷۹	۳۳۱

ابزارهای پژوهش

الف - آزمون جهت‌گیری‌های مذهبی با تکیه بر اسلام

برای سنجش جهت‌گیری‌های مذهبی (اسلامی) از آزمون جهت‌گیری‌های مذهبی با تکیه بر اسلام که توسط آذربایجانی و دادستان در سال ۱۳۸۲ ساخته شده است؛ استفاده گردید. این آزمون با توجه به آموزه‌های اسلام و با محوریت موضوع ایمان و توصیف ویژگی‌های افراد مؤمن و بر اساس آیات و روایات و مفاهیم قرآن کریم طراحی شده است و شامل ده مقوله تفکیک شده و متمایز از یکدیگر بوده که در نهایت بازخورد کلی انسان نسبت به دین را نشان می‌دهد. این ده مقوله عبارتند از: (۱) رابطه انسان و دین، (۲) رابطه انسان و خدا، (۳) رابطه انسان و آخرت، (۴) اولیای دین، (۵) اخلاق فردی، (۶) روابط اجتماعی، (۷) معیشت، (۸) خانواده، (۹) ابعاد جسمی، (۱۰) انسان و طبیعت. این آزمون مشتمل بر دو زیر مقیاس می‌باشد. زیر مقیاس R_1 شامل ۴۱ گویه بوده و عامل اعتقادات - مناسک را می‌سنجد. به عنوان مثال: «دین اسلام کامل‌ترین برنامه را برای سعادت انسان ارائه کرده است.» و زیر مقیاس R_2 شامل ۲۵ گویه بوده و در موضوع اخلاق همگرایی دارد. برای نمونه: «همیشه نسبت به وعده‌ها و قول‌هایی که می‌دهم پایبندم.» آنچه که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است فرم ۵۰ سؤالی از این آزمون می‌باشد. این آزمون بر اساس

دین دارای نقشی بنیادی و محاط دارد و در برخی دیگر جایگاهی موازی و حاشیه‌ای دارد. از آنجا که برابر پژوهش‌های نظری و تجربی محتوای هویت با فرهنگ ارتباط دارد بررسی رابطه بین دین به عنوان یک عنصر مهم فرهنگی و ابعاد هویت، ضرورتی انکارناپذیر است. مهم‌تر اینکه عمده تحقیقات انجام شده در جوامع غربی و بر پایه مقیاس‌های دینی مسیحی، صورت گرفته است. لذا انجام این تحقیقات در فرهنگ ایرانی با داشتن ویژگی‌های ملی - مذهبی خاص خود و مطابق با پرسشنامه‌های تهیه شده از باورهای مذهبی اسلامی، هرچه بیشتر ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به مطالب گفته شده این تحقیق در پی در پی پاسخگویی به سؤالات زیر بوده است.

۱- آیا میان جهت‌گیری مذهبی و ابعاد هویت رابطه وجود دارد؟

۲- جهت‌گیری مذهبی برای کدامیک از ابعاد مختلف هویت پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری می‌باشد؟

روش پژوهش

آزمودنی‌ها

جامعه مورد مطالعه در پژوهش حاضر، شامل دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه شیراز بوده که در سال تحصیلی ۸۴-۸۳ در این دانشگاه به تحصیل اشتغال داشته‌اند. تعداد نمونه مورد نیاز بر اساس جدول مورگان (Morgan) و کرجسی (Krejcie) [۳۰]، با توجه به تعداد دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه شیراز که در حدود ۱۰۰۰۰ نفر می‌باشد در حدود ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد. بر اساس حجم نمونه برآوردی حدود ۱۱ کلاس با متوسط ۴۰ نفر در هر کلاس مبنای نمونه‌گیری قرار گرفت. برای انتخاب نمونه دانشجویان از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده گردید به این ترتیب که ابتدا از میان دانشکده‌های مختلف دانشگاه شیراز دانشکده‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی و علوم به‌طور تصادفی انتخاب گردید و از هر رشته این دو دانشکده یک کلاس به صورت تصادفی انتخاب شد و کلیه دانشجویان حاضر در کلاس مورد ارزیابی واقع

جدول ۲. نتایج تحلیل عاملی جهت گیری های مذهبی

اخلاقیات	سؤالات	اعتقادات- مناسک	سؤالات
۰/۵۷	۲	۰/۶۷	۱
۰/۵۲	۴	۰/۶۳	۳
۰/۳۶	۸	۰/۶۱	۵
۰/۴۶	۱۰	۰/۵۸	۶
۰/۳۵	۱۴	۰/۴۹	۹
۰/۳۸	۲۴	۰/۵۹	۱۱
۰/۴۰	۲۵	۰/۵۵	۱۲
۰/۴۵	۳۲	۰/۳۱	۱۳
۰/۳۷	۳۷	۰/۵۹	۱۵
۰/۴۸	۳۸	۰/۴۴	۱۸
۰/۴۲	۴۴	۰/۲۷	۱۹
		۰/۵۶	۲۱
		۰/۵۱	۲۲
		۰/۵۹	۲۳
		۰/۵۰	۲۶
		۰/۳۵	۲۸
		۰/۵۷	۲۹
		۰/۵۴	۳۳
		۰/۶۰	۳۵
		۰/۶۴	۳۶
		۰/۷۰	۳۹
		۰/۵۱	۴۰
		۰/۵۱	۴۳
		۰/۵۷	۴۵
		۰/۴۶	۴۶
		۰/۶۲	۴۸
		۰/۵۷	۵۰
	۳/۸۰	۱۱/۰۲	مقدار ارزش ویژه
	۷/۵۷	۲۲/۰۵	درصد واریانس
		۲۹/۶۳	کل واریانس

ب- مقیاس ابعاد هویت ویرایش (AIQ-IV)

این پرسشنامه توسط چیک و همکاران [۱۴] با انتخاب گویه‌هایی از لیست ویژگی‌های هویتی سامپسون (Sampson) جهت سنجش ابعاد شخصی و اجتماعی هویت طراحی شده است. فرم چهارم پرسشنامه (AIQ-IV) توسط چیک و همکاران [۱۵] به منظور سنجش ابعاد

مقیاس ۴ درجه‌ای «کاملاً مخالفم = ۱، تا حدودی مخالفم = ۲، تا حدودی موافقم = ۳، و کاملاً موافقم = ۴» تنظیم شده است. برای بررسی روایی محتوایی آزمون ۶۶ سؤالی از روایی سازه به روش مقایسه گروه‌های شناخته شده و نظر خواهی از متخصصان استفاده شده است. به این ترتیب که با مقایسه سه گروه مستقل از طلاب حوزه علمیه قم، دانشجویان دانشگاه تهران، و دانشگاه آزاد اسلامی روایی پیش‌بین این پرسشنامه تأیید شده است. علاوه بر این روایی محتوایی آزمون توسط ۱۵ نفر از استادان و صاحب‌نظران حوزه علمیه قم به روش توافق سنجی مورد بررسی و ضریب توافق در حدود ۰/۷۷ گزارش شده است [۲۲].

روایی این آزمون در پژوهش حاضر از طریق تحلیل عاملی بررسی و محاسبه گردیده است. نتایج تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریمکس، وجود دو عامل در گویه‌ها را تأیید نموده ملاک استخراج عوامل شیب اسکری و ارزش ویژه بالاتر از یک بود. با توجه به یافته‌های تحلیل عاملی ۱۷ سؤال به دلیل پایین بودن بار عاملی و ۹ سؤال بدلیل تداخل گویه‌ها در چند عامل حذف شده‌اند و در نهایت ۳۸ سؤال مناسب تشخیص داده شد که ۲۷ سؤال آن مربوط به عامل عقاید - مناسک و ۱۱ سؤال آن مربوط به عامل اخلاق می‌باشد. مقدار ضریب KMO برابر با ۰/۸۸ و ضریب کرویت بارتلت برابر با ۵۴۶۹/۷۰ ($p < ۰/۰۱$) و مقدار واریانس تبیین شده توسط این دو عامل برابر با ۲۹/۶۴ می‌باشد. نتایج تحلیل عاملی در جدول ۲ آمده است.

آذربایجانی پایایی زیر مقیاس اعتقادات - مناسک و زیر مقیاس اخلاق و جهت‌گیری‌های مذهبی اسلامی را بر اساس ضریب آلفای کرونباخ، به ترتیب ۰/۹۵، ۰/۷۹، ۰/۹۴ گزارش کرده است. پایایی آزمون ۵۰ سؤالی در این پژوهش از طریق آلفای کرونباخ مورد محاسبه قرار گرفت که برای زیر مقیاس اعتقادات - مناسک و زیر مقیاس اخلاق و در مجموع جهت‌گیری‌های مذهبی به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۶۷ و ۰/۸۸ به دست آمده است.

پایایی این مقیاس از طریق روش آلفای کرونباخ توسط سازندگان در چهار فرهنگ مختلف آمریکا، مکزیک، استرالیا، و فیلیپین برای بعد هویت فردی از ۰/۸۰ تا ۰/۸۳ و برای بعد هویت ارتباطی از ۰/۸۲ تا ۰/۹۰ و برای بعد هویت اجتماعی از ۰/۸۰ تا ۰/۸۲ و برای بعد هویت جمعی از ۰/۶۷ تا ۰/۷۷ گزارش شده است. ضرایب حاصله برای روایی سازه را نیز مطلوب گزارش کرده‌اند. پایایی این مقیاس در پژوهش حاضر نیز به روش آلفای کرونباخ محاسبه گردیده است. ضرایب حاصله برای ابعاد هویت فردی، ارتباطی، اجتماعی، قومی - نژادی و مذهبی به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۵، ۰/۸۹ به دست آمده است.

نتایج

اطلاعات توصیفی متغیرهای تحقیق در جدول ۴ آمده است.

به منظور بررسی رابطه میان جهت‌گیری‌های مذهبی با ابعاد هویت ماتریس میان متغیرهای تحقیق محاسبه شده و نتایج در جدول ۵ آمده است.

از آنجا که هدف این پژوهش، بررسی و تعیین قدرت پیش‌بینی هر یک از ابعاد هویت توسط جهت‌گیری‌های مذهبی است لذا برای بررسی این موضوع، از روش آماری رگرسیون چند گانه استفاده شده است. به همین منظور اعتقادات - مناسک و اخلاق به عنوان متغیرهای مستقل و هر یک از ابعاد هویت به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. جدول ۶ تا ۱۰ نتایج رگرسیون چندگانه را برای هر یک از ابعاد هویت نشان می‌دهد.

با توجه به نتایج مندرج در جدول ۶ زیر مقیاس اخلاق پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار ($p < 0/001$) و $\beta = 0/30$ بعد هویت فردی است.

جدول ۷ نشان می‌دهد که زیر مقیاس اخلاق ($P < 0/001$ و $\beta = 0/36$) پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار بعد هویت ارتباطی است. اما این پیش‌بینی‌کنندگی در مقیاس اعتقادات - مناسک معنادار نیست.

هویت فردی، اجتماعی، جمعی و ارتباطی طراحی شده که در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته است. این پرسشنامه شامل ۳۵ گویه بوده که ۱۰ گویه به هویت شخصی «مثلاً: ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی در شکل‌دهی شخصیت من...» و ۷ گویه آن به هویت اجتماعی «مثلاً: واکنش‌های دیگران به صحبت‌ها و رفتارهایم در شکل‌دهی شخصیت من...» و ۸ گویه به هویت جمعی «مثلاً: داشتن یک رابطه شخصی رضایت بخش با دیگران در شکل‌دهی شخصیت من...» اختصاص یافته است. در مقابل هر گویه، ۵ گزینه: اهمیتی ندارد - اهمیت کمی دارد - تا حدودی اهمیت دارد - اهمیت بسیاری دارد - اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد، قرار دارد که آزمودنی برای پاسخگویی به سؤالات باید یکی از این گزینه‌ها را انتخاب می‌نمود. در ضمن به منظور انطباق پرسشنامه با فرهنگ جامعه ایرانی، جمله‌بندی برخی از گویه‌ها تغییر داده شد و در زمینه هویت جمعی، ۱۱ گویه به پرسشنامه اضافه شده که منطبق با خاستگاه‌های فرهنگ ایرانی باشد. از آنجا که فرم AIQ-IV برای اولین بار در ایران مورد استفاده قرار گرفته است؛ روایی این مقیاس از طریق تحلیل عاملی در این پژوهش بررسی و محاسبه گردیده است. نتایج تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی و یا چرخش واریماکس، وجود پنج عامل در پرسشنامه را تأیید کرده که ملاک استخراج شیب اسکری و ارزش ویژه بالاتر از یک بوده است با توجه به نتایج تحلیل عاملی از مجموع ۴۶ سؤال، ۳۷ گویه مناسب تشخیص داده شد که به ترتیب ۸ گویه در بعد هویت فردی، ۸ گویه در بعد هویت ارتباطی، ۶ گویه در بعد هویت اجتماعی، ۸ گویه در بعد هویت قومی - نژادی و ۷ گویه نیز در بعد هویت مذهبی قرار گرفتند که این نتایج در جدول ۳ آمده است. مقدار ضریب KMO به دست آمده از تحلیل عاملی برابر با ۰/۸۸ و ضریب کرویت بارتلت برابر با ۶۶۶۱/۰۶ در سطح معناداری $p < 0/001$ به دست آمده است و در مجموع حدود ۴۴ درصد از واریانس کل تبیین شده است. نتایج تحلیل عاملی مقیاس ابعاد هویت در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل عاملی مقیاس ابعاد هویت

سؤالات	هویت فردی	هویت ارتباطی	هویت اجتماعی	هویت قومی-نژادی	هویت مذهبی
۱	۰/۵۱				
۷	۰/۶۲				
۱۰	۰/۵۹				
۱۳	۰/۶۶				
۲۱	۰/۴۹				
۲۲	۰/۶۴				
۳۷	۰/۵۶				
۴۳	۰/۵۶				
۱۶		۰/۵۶			
۱۷		۰/۶۲			
۲۶		۰/۶۴			
۲۷		۰/۷۳			
۲۸		۰/۷۰			
۳۱		۰/۵۹			
۳۲		۰/۶۱			
۴۶		۰/۴۴			
۲			۰/۶۳		
۴			۰/۳۷		
۵			۰/۵۵		
۸			۰/۵۹		
۱۱			۰/۶۶		
۱۴			۰/۶۷		
۱۸				۰/۷۱	
۲۳				۰/۴۴	
۲۴				۰/۷۶	
۲۵				۰/۷۹	
۳۴				۰/۶۷	
۳۹				۰/۵۵	
۴۰				۰/۷۵	
۴۴				۰/۴۹	
۹					۰/۶۰
۱۹					۰/۷۹
۲۰					۰/۸۱
۳۰					۰/۶۷
۳۳					۰/۷۹
۳۵					۰/۶۰
۴۲					۰/۷۸

جدول ۴. آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

دانشکده علوم تربیتی				دانشکده علوم				متغیرها
انحراف معیار		میانگین		انحراف معیار		میانگین		
پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	
۱۵/۳۶	۱۲/۱۶	۷۵/۶۴	۸۵/۹۲	۱۴/۸۰	۱۲/۷۱	۸۱/۳۷	۹۳/۸۱	اعتقادات - مناسک
۵/۴۳	۴/۶۹	۳۴/۹۴	۳۷/۰۴	۳/۹۰	۳/۵۶	۳۷/۸۰	۳۷/۹۰	اخلاق
۱۸/۰۷	۱۴/۹۵	۱۱۱/۲۰	۱۲۳/۰۴	۱۶/۵۷	۱۴/۵۵	۱۱۹/۲۷	۱۲۱/۸۰	جهت گیری مذهبی
۶/۰۲	۴/۹۸	۲۹/۱۳	۳۰/۱۱	۳/۹۴	۴/۵۶	۲۹/۹۰	۳۱/۳۳	بعد هویت فردی
۶/۲۵	۵/۴۲	۲۷/۱۸	۲۸/۵۸	۳/۶۵	۵/۰۵	۲۸/۷۲	۲۹/۸۵	بعد هویت ارتباطی
۳/۹۳	۴/۲۵	۲۰/۱۸	۱۹/۸۹	۳/۷۱	۴/۳۰	۱۸/۹۳	۱۹/۳۲	بعد هویت اجتماعی
۷/۲۷	۶/۴۶	۲۲/۵۳	۲۲/۵۳	۵/۷۹	۶/۳۶	۲۱/۳۱	۲۱/۴۲	بعد هویت قومی-نژادی
۶/۰۰	۵/۳۲	۲۲/۳۹	۲۵/۳۴	۶/۴۳	۶/۸۰	۲۲/۵۸	۲۳/۸۰	بعد هویت مذهبی

جدول ۵. ماتریس همبستگی میان جهت گیری های مذهبی با ابعاد هویت

متغیرها	اعتقادات - مناسک	اخلاق	جهت گیری مذهبی	بعد هویت فردی	بعد هویت ارتباطی	بعد هویت اجتماعی	بعد هویت قومی-نژادی	بعد هویت مذهبی
اعتقادات - مناسک	۱							
اخلاق	۰/۳۹**	۱						
جهت گیری مذهبی	۰/۹۷**	۰/۶۱**	۱					
بعد هویت فردی	۰/۲۱**	۰/۳۵**	۰/۲۶**	۱				
بعد هویت ارتباطی	۰/۱۵*	۰/۳۷**	۰/۲۳**	۰/۶۶**	۱			
بعدهویت اجتماعی	-/۰۱	۰/۰۴	۰/۰۱	۰/۴۱**	۰/۳۶**	۱		
بعد هویت قومی-نژادی	۰/۰۹	۰/۱۴*	۰/۱۲*	۰/۳۰**	۰/۳۶**	۰/۱۵**	۱	
بعد هویت مذهبی	۰/۷۱**	۰/۲۲**	۰/۶۶**	۰/۳۶**	۰/۳۳**	۰/۱۰	۰/۳۹**	۱

*P<۰/۰۱ ** P<۰/۰۵

جدول ۶. نتایج رگرسیون جهت گیری های مذهبی روی هویت فردی

متغیرهای مستقل	R	R ²	ضریب رگرسیون B	ضریب استاندارد رگرسیون (Beta)	مقدار t	سطح معناداری
اعتقادات - مناسک	۰/۳۴	۰/۱۲	۰/۰۳	۰/۰۸	۱/۴۳	۰/۱۵
اخلاق			۰/۳۳	۰/۳۰	۴/۹۸	۰/۰۰۰

نژادی ندارند و از این رو نمی توانند این بعد از هویت را پیش بینی کنند.

نتایج مندرج در جدول ۱۰ نشان می دهد که زیر مقیاس های اعتقادات - مناسک و اخلاق پیش بینی کننده بعد هویت مذهبی، در دو جهت مثبت و منفی است.

نتایج جدول ۸ نشان می دهد که هیچ کدام از زیر مقیاس های اعتقادات - مناسک و اخلاق پیش بینی کننده بعد هویت اجتماعی نمی باشند.

با توجه به نتایج جدول ۹، زیر مقیاس های اعتقادات - مناسک و اخلاق رابطه معناداری با بعد هویت قومی -

و با هویت قومی - نژادی رابطه معناداری نداشته است. زیر مقیاس اخلاق با ابعاد هویت فردی، ارتباطی، قومی - نژادی و مذهبی رابطه مثبت و معناداری داشته که قوی ترین رابطه با بعد هویت ارتباطی و ضعیف ترین آن با بعد هویت قومی - نژادی است و با بعد هویت اجتماعی نیز رابطه معناداری نشان نداده است. جهت گیری های مذهبی بجز با بعد هویت اجتماعی با دیگر ابعاد هویت رابطه مثبت و معناداری نشان داده است که قوی ترین آن با بعد هویت مذهبی می باشد. از این رو زیر مقیاس های اعتقادات - مناسک پیش بینی کننده مثبت

نتایج تحلیل رگرسیون برای گروه پسران و دختران در راستای نتایج کلی تحقیق است. با این تفاوت که در گروه دختران زیر مقیاس اخلاق هویت مذهبی را به شکل منفی و معنی داری پیش بینی نمی کند. نتایج رگرسیون جهت گیری های مذهبی بر روی ابعاد هویت در شکل ۱ خلاصه شده است.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به نتایج فوق زیر مقیاس اعتقادات - مناسک با ابعاد هویت فردی، ارتباطی و مذهبی رابطه مثبت و معناداری نشان داده و با بعد هویت اجتماعی رابطه منفی

جدول ۷. نتایج رگرسیون جهت گیری های مذهبی بر روی هویت ارتباطی

متغیرهای مستقل	R	R ²	ضریب رگرسیون B	ضریب استاندارد رگرسیون (Beta)	مقدار t	سطح معناداری
اعتقادات - مناسک	۰/۳۶	۰/۱۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۴	۰/۰۷	NS
اخلاق			۰/۴۳	۰/۳۶	۶/۱۲	/۰۰۱

جدول ۸. نتایج رگرسیون جهت گیری های مذهبی بر روی بعد هویت اجتماعی

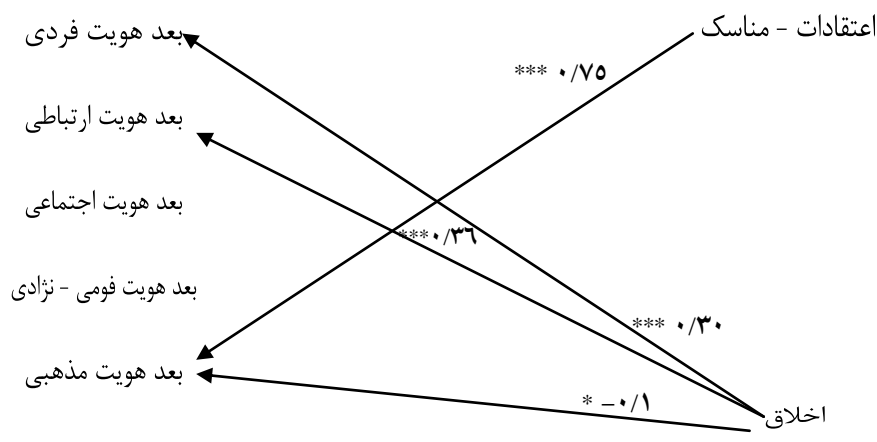
متغیرهای مستقل	R	R ²	ضریب رگرسیون B	ضریب استاندارد رگرسیون (Beta)	مقدار t	سطح معناداری
اعتقادات - مناسک	۰/۰۶	۰/۰۳	-/۰۱	-/۰۴	-/۰۷	NS
اخلاق			۰/۰۶	/۰۶	۰/۹۳	NS

جدول ۹. نتایج رگرسیون جهت گیری های مذهبی بر روی هویت قومی - نژادی

متغیرهای مستقل	R	R ²	ضریب رگرسیون B	ضریب استاندارد رگرسیون (Beta)	مقدار t	سطح معناداری
اعتقادات - مناسک	۰/۱۴	۰/۰۲	/۰۲	/۰۴	۰/۶۹	NS
اخلاق			۰/۱۸	۰/۱۲	۱/۹۵	NS

جدول ۱۰. نتایج رگرسیون جهت گیری های مذهبی بر روی بعد هویت مذهبی

متغیرهای مستقل	R	R ²	ضریب رگرسیون B	ضریب استاندارد رگرسیون (Beta)	مقدار t	سطح معناداری
اعتقادات - مناسک	۰/۷۱	۰/۵۱	۰/۳۵	۰/۷۵	۱۶/۸۰	/۰۰۱
اخلاق			-/۱۵	-/۱۰	-۲/۳۴	۰/۰۲



*** $p < 0.001$ ** $p < 0.01$ * $p < 0.05$

شکل ۱. نتایج رگرسیون جهت‌گیری‌های مذهبی بر روی ابعاد هویت

قبیل پرداخت صدقه و... نوعی تعلقات دینی و گروهی محسوب می‌شود که با شیوه‌ای تعریف شده و خاص مذهب انجام می‌پذیرد. در واقع مرتبه مناسک مرتبه‌ای است که شباهت‌های افراد را تبیین می‌کند. اما از آنجا که بعد هویت فردی با نوعی خودآگاهی فردی و استقلال در قضاوت، توجه به ارزش‌ها و ترجیحات شخصی همراه می‌باشد، زیر مقیاس اخلاق، پیش‌بینی‌کننده این بعد از هویت است. در توجیه این مطلب شاید بتوان گفت مطابق با تعالیم مذهبی، اخلاق، موضوعات اخلاقی و تشخیص کارهای نیک و بد به شکل الهام خیر و شر، فجور و تقوا در فطرت انسانی نهادینه شده است. چه، بدون وجود هیچ‌گونه زمینه‌ای در وجود انسانی توانایی انجام هیچ‌گونه فعل خیر و شر قابل تصور نمی‌باشد و نقش انبیاء در هدایت انسانی بیدار کردن فطرت‌های دفینه می‌باشد و از این رو افراد مطابق با فطرت انسانی خویش قادر به تشخیص خوب و بد در مسائل اخلاقی می‌باشند که این امر متفاوت با دریافت آموزش‌های خاص دینی و تعهدات به مناسک و آداب خاص آن می‌باشد. در همین راستا نتایج تحقیقات

و معنادار بعد هویت مذهبی و زیر مقیاس اخلاق پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار بعد هویت فردی و بعد هویت ارتباطی می‌باشد اما این پیش‌بینی‌کنندگی در مقیاس اعتقادات - مناسک معنادار نمی‌باشد. در ضمن هیچ‌کدام از زیر مقیاس‌های اعتقادات - مناسک و اخلاق پیش‌بینی‌کننده بعد هویت اجتماعی و هویت قومی - نژادی نیستند.

در توجیه این نتایج شاید بتوان گفت که از آنجا که در بعد هویت فردی ساختار خود به عنوان مجموعه‌ای یکپارچه و متشکل از تواناییها، ارزش‌ها، ترجیحات و ویژگی‌ها و احساسات شخصی در نظر گرفته می‌شود و افراد بر ارزش‌ها و ترجیحات فردی تأکید بیشتری دارند تا بر هنجارها و تعهدات گروهی، زیر مقیاس اعتقادات - مناسک که ناظر بر نوعی تعهد و تعلقات گروهی و پذیرش هنجارها و پایبندی به آداب و مناسک خاصی می‌باشد، این بعد از ابعاد هویت را پیش‌بینی نمی‌کند. چه جنبه‌های اجتماعی عبادات و مناسک از قبیل حج و یا نماز جماعت و چه جنبه‌های فردی عبادی از قبیل ادای نماز به شکل فرادا و یا انجام اعمال مستحبی از

پسداد [۲۶]، میشل (Mischeal) [۲۷] و مارکس‌ترام و همکاران [۲۳]، میخائیل مک کلین و همکاران [۲۴] نیز نشان می‌دهد که میان قدرت خود با پختگی استدلال‌ات اخلاقی و وضعیت‌های هویتی بالاتر با اخلاق همبستگی مثبت بالایی وجود دارد.

زیر مقیاس اخلاق همچنین پیش‌بینی‌کننده بعد هویت ارتباطی نیز می‌باشد. در توجیه این مطلب می‌توان گفت از آنجا که هویت ارتباطی ناظر به نقش و تاثیر ارتباطات با دیگران از جمله دوستان و آشنایان در شکل دهی شخصیت می‌باشد؛ وجود ارتباط میان زیر مقیاس اخلاق و این بعد از هویت منطقی به نظر می‌رسد چرا که چنین تاثیری همیشه مدّ نظر اسلام بوده است و آیات و روایات متعددی در زمینه نقش و تاثیر ارتباط با دیگران و تأسی از ویژگی‌های دیگران در شکل‌گیری شخصیت و هویت فرد وجود دارد. حتی در مواردی نیز به ایجاد این ارتباطات به عنوان بخشی از وظیفه اخلاقی و الهی فرد تأکید هم شده است به عنوان مثال در آیه دویت سوره مبارکه آل عمران آمده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوی و صبر پیشه کنید و با یکدیگر ارتباط برقرار کنید شاید که رستگار شوید.»

از طرفی نیز توجه به اینکه ضروری است که بخش عمده‌ای از اخلاق در زمینه ارتباطات و روابط بین فردی مطرح می‌شود، لذا این زیر مقیاس می‌تواند پیش‌بینی‌کننده بعد هویت ارتباطی باشد. در همین راستا کینگ [۱۹] بیان می‌کند از آنجا که ایجاد تعادل میان خود و دیگران نقش مهمی را در یکپارچگی و انسجام هویت بازی می‌کند، مذهب از طریق ارتباطات و اجتماعات دینی، جهان‌بینی مشتمل بر دیدگاه اجتماعی را فراهم می‌آورد که در آن تقدس افراد و زندگی اجتماعی هر دو لحاظ می‌شود و با فراهم آوردن الگوهای عمل و تجربه در این ارتباطات، نوجوانان را قادر می‌سازد که احساسی از «خود» را که در ارتباط با دیگران تعریف می‌شود، درونی کنند. مذهب نه تنها در فراهم آوردن محیط غنی ایدئولوژیکی و جهان‌بینی مبتنی بر ماوراءالطبیعه بر رشد هویت مؤثر می‌باشد؛ بلکه

همچنین با ارائه بافت اجتماعی و ارایه مثال‌ها و الگوهای از معتقدین متقدم که این قوانین و هنجارهای رفتاری را در زندگی واقعی و حوادث تاریخی، به منصفه ظهور رسانده‌اند، در رشد هویت مؤثر است که این مطلب در واقع نوعی الگوبرداری اجتماعی است. در واقع این موضوع به اهمیت جامعه مذهبی و نقش ارتباطات و اجتماعات دینی در رشد و ارتقاء معنویت و هویت افراد اشاره می‌کند. این نتایج همسو با نتایج تحقیقات کامپاگنا و هارتر [۲۵] می‌باشد. مطابق با نتایج این تحقیقات، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و پایین‌بودن گرایش‌های جامعه ستیزی با پختگی استدلال‌ات اخلاقی همراه است.

ظاهراً در فرهنگ کشور ما، توجه به مذهب و اهمیت دادن به دین و تأکید بر قومیت و نژاد سبب شده است که در جوانان ایرانی، هویت جمعی که ریشه در عناصر خود جمعی (مثل مذهب، کشور، نژاد و ...) دارد به دو مؤلفه هویت قومی - نژادی و هویت مذهبی تقسیم شود. از آنجا که همپوشی‌های زیادی میان زیر مقیاس اعتقادات - مناسک با بعد هویت مذهبی وجود دارد، رابطه میان زیر مقیاس اخلاق و بعد هویت مذهبی منطقی به نظر می‌رسد اما چون هویت مذهبی یک بعد از هویت جمعی است، پیش‌بینی‌کنندگی اخلاقیات که بیشتر جنبه هویت فردی دارد، برای این بعد از ابعاد هویت به سمت صفر و یا حتی منفی سیر می‌کند. و به همین دلیل هویت قومی - نژادی با اعتقادات - مناسک رابطه معناداری نداشته و علی‌رغم وجود رابطه مثبت و معنادار میان این بعد از ابعاد هویت و زیر مقیاس اخلاق این زیر مقیاس قادر به پیش‌بینی بعد هویت قومی - نژادی نمی‌باشد. با توجه به شواهد متعدد و گاهاً متضاد در این خصوص، نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق باریس، برنسکوب، و جکسون در کشور کانادا همسو و با نتایج تحقیق این محققین در کشور آمریکا و نتایج تحقیق کمپیچ مغایر است [به نقل از ۲۹]. در توجیه این نتایج شاید بتوان به نقش عوامل فرهنگی در این زمینه اشاره نمود. در همین راستا دو براتز [۳۱] بیان می‌کند که اگر چه مذهب یکی

از عناصر اصلی در تعریف و شناسایی هویت ملی است اما می‌تواند با آن نیز در تعارض باشد. زمانی که باورهای مذهبی زیر گروه‌های متفاوت یک ملت متمایز نباشد، مذهب عامل پیوند و زمانی که گروه‌های یک جامعه دارای باورهای مذهبی متفاوت و یا مغایر باشند، مذهب به جای پیوند میان گروه‌های متفاوت، در جهت تمایز آنها عمل می‌کند.

و اما در زمینه بعد هویت اجتماعی، این بعد از ابعاد هویت، با زیر مقیاس اعتقادات - مناسک رابطه منفی و با زیر مقیاس اخلاق نیز رابطه معناداری نشان نداده است. و از این رو جهت‌گیری‌های مذهبی، این بعد از ابعاد هویت را پیش‌بینی نمی‌کند. در توجیه این نتایج شاید بتوان به تأکید آموزه‌های دینی در شکل‌دهی شخصیت فرد به مقولاتی متفاوت و برتر از موضوعات مطرح شده در بعد هویت اجتماعی از قبیل محبوبیت، شهرت و جذابیت‌های فیزیکی و ... در نزد دیگران اشاره نمود. به عنوان مثال آنچه که مذهب اسلام در آیات متعدد به اکتساب آن به عنوان ارزش‌های والای انسانی تأکید دارد تقوی می‌باشد که مصادیق آن در آیات متعددی مشخص شده است. به عنوان نمونه از ایمان به غیب، اقامه نماز، انفاق، ایمان به آنچه که به پیامبران نازل شده است و یقین به آخرت می‌توان نام برد که در آیات سوم و چهارم سوره بقره آمده است. همچنین کرامات اخلاقی که به تفصیل در سوره حجرات ذکر شده است. در همین راستا برزونسکی و همکارانش [۹] و شوارتز و همکارانش [۳۲] با اشاره به یافته‌های تحقیقات خود نتیجه گرفته‌اند افرادی که بر اساس هویت اجتماعی خود را تعریف می‌کنند، فاقد تعهدات هویتی منسجم و ساختار یافته بوده و بدیهی است که چنین ویژگی‌های هویتی با ویژگی‌ها و ساختار مذهب، تأکیدات و نقش آن در انسجام هویت جهت رسیدن به وحدت و یکپارچگی هویت متفاوت می‌باشد. از این رو افرادی که بیشتر مذهبی می‌باشند و تحت تأثیر آموزه‌های دینی می‌باشند، کمتر بر این بعد تأکید دارند.

از آنجا که دینداری و ایمان، امری واجب در شرع اسلام است، صداقت در پاسخ‌گویی شرکت‌کنندگان تا حدودی محدودیت این پژوهش محسوب می‌شوند. در ضمن این تحقیق از نوع همبستگی بوده و به همین لحاظ استنباط علی از نتایج با احتیاط بسیار باید صورت گیرد. همچنین از آنجا که نمونه پژوهش صرفاً دانشجویان بوده‌اند؛ در تعمیم به جمعیت‌های دیگر باید جانب احتیاط را رعایت نمود. از دیگر محدودیت‌های این تحقیق نبود ابزارهایی مناسب جهت اندازه‌گیری جهت‌گیری مذهبی اسلامی در سطح دنیا می‌باشد که تعیین روایی پرسشنامه موجود در این تحقیق را با دشواریهایی همراه ساخت.

با توجه به نتایج پژوهش فوق به نظر می‌رسد برای تبیین کل واریانس هویت در جامعه اسلامی باید مؤلفه‌های دیگری را در ارتباط با جهت‌گیری‌های مذهبی در پژوهش‌های آتی نظر گرفت. به عنوان مثال لحاظ کردن نقش باورهای دینی والدین، وضعیت اقتصادی - اجتماعی و... که البته می‌تواند طرح، در قالب پژوهش کیفی - کمی (ترکیبی) انجام گردد تا بتوان به نتایج مطمئن‌تر و دقیق‌تری در این خصوص دست یافت.

با توجه به نقش و تأثیر اجتماعات مذهبی در زمینه رشد هویت، اهتمام و توجه به اجتماعات و ارتباطات مذهبی و معنوی برای ایجاد حس تعلق‌پذیری و پرورش و نگهداری باورها، معانی و ارزش‌ها و یکی شدن انتزاعات ایدئولوژیکی با خودپنداره در جهت رشد و ارتقاء ابعاد مختلف هویت بیش از پیش مهم به نظر می‌رسد.

15. Cheek, J. M., Smith, S.M., & Tropp, L. R. (2002). Relational identity orientation: A fourth scale for the AIQ. Paper presented at the meeting of the Society for Personality and Social Psychology, Savannah, GA.
۱۶. جوکار، بهرام؛ لطیفیان، مرتضی (۱۳۸۵)؛ «رابطه ابعاد هویت و جهت‌گیری هدف در گروهی از دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی شهرستان‌های شبراز و یاسوج»، مجله شماره ۴۹، علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۴۹، صص ۲۷-۴۶.
17. Damon, W. (1983). Social and personaloty development. New York: Vorton.
18. James W., (1892). psychology: The Brjefer course New Yourk: Harper and Row.
19. King, P. E. (2003). Religion and Identity: the role of Ideological, Social, and spiritual contexts. Applied Development Science, vol. 7, No. 3, 197-204.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ (۲۰ ج، ۱۰ مجله)، قم، جامعه‌المدرسین مؤسسه نشر اسلامی.
۲۱. جوادی آملی، عبدالله؛ (۱۳۷۷) شریعت در آئینه معرفت، قم، مرکز نشر اسراء.
۲۲. آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۲) تهیه و ساخت آزمون جهت‌گیری‌های مذهبی با تکیه بر اسلام؛ پژوهشکده حوزه و دانشگاه (شماره انتشار ۸۱؛ روان‌شناسی: ۱۰)، چاپ زیتون.
23. Markstrom-Adams, C., Hofstra, G., Dougher, K., (1994). The ego-virtue of identity: A case for the study of religioun and identity formation in adolescence. Journal of Youth and Adolescence, 23, 453-469.
24. Michael Macklean A., Walker Lawrence J., Matsuba M. Kyle, (2004). Transcedence and the moral self: identity integration, religion, and moral life. Journal for the Scientific Study of religion, vol. 43, No. 3, p.p. 429-437(9).
25. Gampagna, A. F. & Harter, S. (1975). Moral Judgment in sociopathic and normal children. Journal of Personolity and Social Psychology, 31, 199-205.
26. Podd, M.H. (1972). Ego identity status and morality: The relationship between two developmental constructs. Developmental Psychology, 6, 497-507.
27. Mischel, W. (1974). Processes in the delay of grafication. In L. Berkowitz (Ed.), Advance in Exprimental Social Psychology vol. 7. Orlando, FL: Academic Press.
1. Spilka, B., Hood, Jr., R., Hunsbergen, B., Gorsuch R., (2003). Psychology of religion: on emprical Approach. 3th. Edition, The Guilford press New York London.
۲. گوتک، جرال‌دال؛ (۱۳۸۰)؛ مکاتب فلسفی و آراء تربیتی، ترجمه دکتر محمد جعفر پاک‌سرشت، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
3. Erikson, E.H., (1964). Insigth and responsibility. New York: Norton.
4. Marcia, J.E. (1966). Development and validation of ego-identity status. Journal of Personality and Social Psychology, 3, 551-558.
5. Marshall, S. K., (1999). Bridging perspective: conceptuallzing fundamental process of identity across disciplines. Srif, 6. A. C.
6. Tajfel, H., (1981). Human groups and social categories: Studies in social psychology. 5 combridge: combridge university press.
7. Triandis, H.C., (1989). The self and social behavior in differing cultural contex. Psychology Review 96, p.p. 509-520.
8. Markus H. R., Kitayama S., (1991). Culture and the self: implications for cognition, emotion, and motivation. psychological Review, 98, p.p. 224-253.
9. Berzonsky, M. D., Macek, P., Nurmi, J. E. (2003). Interrelationship among identity process, content, and structure: A cross cultural investigation. Journal of Adolescence Research, vol. 18, No. 2, 112-130
10. Baumeister, R. F. (1998). The selfo ing. Lindzey, S. Fiske, & D. Gilbert (Eds.), Handbook of Social Psychology pp. 680-740.
11. Cooley, C. H., (1902). Human nature and the social order. New York, Academic Press.
12. Mead, G. H. (1934). Mind, self and society. chicago: university of chicago press.
13. Tajfel, H., Turner J.C., (1979). An integrative theory of intergroup Conflict. in W. Austin & Worchel (Eds.) The Social psychology of intergroup relations, p.p. 33-48.
14. Cheek, J.M; Tropp, L.R., chen, L.C, underwood, M.K., (1994), Identity orientation: personal, social, collective aspects of identity. paper presented at the meeting of the American Association Los Angeles.

30. Krejcie, R.V. & Morgan, D.W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational & Psychological Measurement*, 30, 607-610.
31. Dobratz, B.A. (2000). The role of religion in the collective identity of the white racist movement *Journal for the Scientific Study of Religion*, 288-300.
32. Schwartz, S.J., Mullis, R. L., Waterman, A. S., Dunham, R. M. (2000). Ego identity status, identity style and personal expressiveness: An empirical investigation of three Convergent Constructs. *Journal of Adolescent Research*, 15(4), 04-521.
28. Paloutzian R.F., Richardson J.T., Rambo L.R., (1999). Religious conversion and personality change. *Journal of Personality*, vol. 67, No. 6, p.p. 1047–1079(32).
29. Saroglou, V. & Galand, Ph. (2004), Identities, Values, and religion: A study among muslim, other immigrant, and native Belgian young adults after the 9/11 attacks, *Journal of the Theology and Research*, 4(2), 97-132.